



## تأملی بر طلسمات دوره قاجار و اهمیت نقش زنان در شکل‌گیری و گسترش آنها

آزاده چاکری<sup>۱</sup> ID، ابوالفضل داودی رکن‌آبادی<sup>۲</sup> ID، محمدرضا شریف‌زاده<sup>۳</sup> ID

<sup>۱</sup> گروه پژوهش هنر، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، azadehchakeri@yahoo.com  
<sup>۲</sup> (نویسنده مسئول) گروه طراحی پارچه و لباس، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران، davodiroknabadi@gmail.com  
<sup>۳</sup> گروه پژوهش هنر، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، moh.sharifzade@iauctb.ac.ir

### چکیده

در جامعه ایران دوره قاجار گرایش به باورهای خرافی و انواع اشیاء اعتقادی از جمله طلسم‌ها و تعاویذ، بسیار گسترده و عمومی بوده است. مستندات تاریخی گواه بر این است که زنان جامعه ایرانی گرایش بیشتر و پررنگ‌تری نسبت به مردان در بهره‌گیری از طلسم و توسل به انواع افسون‌ها داشته‌اند. این نگرش دارای زمینه‌ها، ریشه‌ها و در ادامه پیامدهایی بوده است که پژوهش حاضر به دنبال آن است با بررسی ریشه‌ها و پیامدها، به چگونگی شکل‌گیری این نگرش بپردازد و ضمن بررسی شرایط اجتماعی و زندگی زنان در عصر قاجار، فعالیت‌های ایشان را به‌ویژه در حوزه تولید و استفاده طلسمات مورد مطالعه و بررسی قرار دهد. این پژوهش در نظر دارد با بررسی ریشه‌های فرهنگی و اعتقادی، علل گرایش به طلسمات و اوج‌گیری آنها در عصر قاجار را مورد مطالعه قرار دهد. همچنین با تحلیل عوامل اجتماعی و سیاسی این دوران، به تشریح نقش کلیدی زنان در شکل‌گیری و توسعه هرچه بیشتر طلسمات در دوران قاجار بپردازد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که گرایش به خرافات، از جمله بهره‌گیری از طلسمات، پدیده‌ای رایج در جامعه سنتی بوده است و تمامی افراد جامعه بنابه شرایط اجتماعی و فرهنگی، به میزانی از آن بهره می‌گرفتند. اما مستندات تاریخی نشان از تمایز جنسیتی و گرایش بیشتر زنان به این باورها در عصر قاجار دارد.

### اهداف پژوهش:

۱. شناسایی ریشه‌های فرهنگی، اجتماعی و اعتقادی مؤثر در رواج طلسمات در عصر قاجار.
۲. تشریح نقش کلیدی زنان در گرایش به طلسمات در عصر قاجار.

### سؤالات پژوهش:

۱. عوامل فرهنگی و اعتقادی مؤثر در گرایش زنان قاجاری به علوم غریبه کدام‌اند؟
۲. اوج‌گیری علوم غریبه و بهره‌گیری از طلسمات چه پیامدهایی در شرایط اجتماعی و سیاسی ایران عصر قاجار داشته است؟

### اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۴۸

دوره ۱۹

صفحه ۲۲۱ الی ۲۳۴

تاریخ ارسال مقاله: ۱۴۰۰/۰۵/۰۱

تاریخ داوری: ۱۴۰۰/۰۷/۱۴

تاریخ صدور پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۲۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۲/۰۱

### کلمات کلیدی

دوره قاجار، زنان، طلسم، باورهای خرافی، شرایط اجتماعی.

### ارجاع به این مقاله

چاکری، آزاده، داودی رکن‌آبادی، ابوالفضل، شریف‌زاده، محمدرضا. (۱۴۰۱). تأملی بر طلسمات دوره قاجار و اهمیت نقش زنان در شکل‌گیری و گسترش آنها. مطالعات هنر اسلامی، ۱۹(۴۸)، ۲۲۱-۲۳۴.



[dor.net/dor/20.1001.1.1735708.1401.19.48.200](https://dor.net/dor/20.1001.1.1735708.1401.19.48.200)



[dx.doi.org/10.22034/IAS.2021.311734.1779](https://dx.doi.org/10.22034/IAS.2021.311734.1779)

## مقدمه

آنچه به‌عنوان باورهای عامیانه در زندگی اجتماعی امروزه جامعه ایران جاری است، در امتداد گذشته نه‌چندان دور خود معنا می‌یابد. درک این پیوست است که ضرورت واکاوی رفتارهای ایرانیان متأخر را روشن می‌سازد. همچنین شناختی به‌دست می‌دهد که مطالعه تغییرات اجتماعی و ابعاد مختلف آن از جمله بُعد ارزشی، نگرشی را در مطالعات تطبیقی میسر می‌سازد؛ چراکه مدرن‌شدن جامعه ایران در کشاکش سنت‌ها و ارزش‌های فرهنگی - اجتماعی رخ داده و برحسب کنشگران اجتماعی وفادار به آن‌ها بسط و گسترش پیدا کرده است. باورهای عامیانه در جامعه ایران عصر قاجار بسیار فراگیر بوده است. به کمک متون و مستندات به‌جامانده می‌توان گفت چنین باورهایی، امری رایج و معمول دانسته شده و در امور مختلف به سبک و سیاقی متفاوت از سوی برخی دنبال می‌شده است. باورهای عامیانه مشتمل بر افسانه‌ها، داستان‌ها، تاریخ شفاهی و بعضاً موضوعاتی است که با وجود بی‌اساس دانسته‌شدن از سوی برخی افراد، در زندگی روزمره بعضی دیگر، حضور درخور توجهی داشته است. بخش مهمی از باورهای عامیانه حاکم در دوره قاجار مبتنی بر باورهای خرافی بودند. هرچند خرافه، با درک نادرست از روابط علی و اعتقاد وافر به تأثیر عوامل نامعقول ماوراءالطبیعه عجین است، اما دانستن احوالات مردم در این زمینه، به شناخت وضعیت اجتماعی - فرهنگی جاری آنان منجر شده و به‌ویژه از بُعد تاریخی، برخی ریشه‌های رفتاری جوامع کنونی را مشخص می‌سازد. با آنکه مطالعات زیادی متوجه زندگی ایرانیان عصر قاجار بوده، اما موضوع گرایش به اشیاء اعتقادی در این دوره و آن هم معطوف به رفتارهای بانوان در این حوزه، تنها در پژوهش‌های معدودی موردتوجه قرار گرفته است.

این مقاله در تمایز با پژوهش‌های پیشین، با محوریت مطالعه جایگاه اجتماعی زنان در جامعه روزگار قاجار، به تشریح نقش محوری آن‌ها در شکل‌گیری، جهت‌دهی و گسترش طلسمات توسط ایشان می‌پردازد و همچنین با ارائه شواهدی نوین، درصدد تصحیح بخشی از قضاوت تاریخی درباره تاریخ اجتماعی زنان در عصر قاجار می‌باشد. بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف ارائه مطالعه‌ای روش‌مند انجام می‌شود که حاصل آن به‌عنوان منبع مطالعاتی برای علاقه‌مندان به تاریخ اجتماعی و نیز مطالعات جنسیت، قابل ارجاع دیگر پژوهشگران است.

این مقاله از نوع تاریخی توصیفی و روش گردآوری اطلاعات آن از نوع اسنادی است و به تحلیل نظری یافته‌های تاریخی از منظر مطالعات اجتماعی می‌پردازد. روش پژوهش نیز تحلیل نمونه‌های تصویری و متون و مستندات تاریخی بوده است. محور اصلی مقاله بررسی ریشه‌های فرهنگی و اجتماعی گرایش به طلسمات و اوج‌گیری آن‌ها در عصر قاجار است و با تحلیل یافته‌ها، به تشریح نقش محوری زنان در مسیر شکل‌گیری، گسترش و توسعه هرچه بیشتر طلسمات در دوران قاجار می‌پردازد.

تحقیقاتی که پیشینه پژوهش جاری محسوب می‌شوند را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد؛ گروه اول آثاری که به اوضاع و شرایط اجتماعی زنان در دوره قاجار اشاره‌ای کرده‌اند، برای نمونه: حسن آزاد (۱۳۸۲) در کتاب پشت پرده‌های حرمسرا، عبدالله بهرامی در کتاب خاطرات خود (بی‌تا)، پیرزاده نایینی در کتاب سفرنامه‌اش (۱۳۴۲)، بشری دلریش

در کتاب زن در دوره قاجار (۱۳۷۵) و نیز در کتاب خاطرات لیدی شل (۱۳۶۸)، کارنمای زنان کارای ایران از پوران فرخزاد (۱۳۸۱)، در این آثار به جایگاه اجتماعی زنان و شرایط سیاسی و فرهنگی حاکم بر جامعه این دوران اشاره شده است. گروه دوم آثاری که به پژوهش درباره علوم غریبه پرداخته‌اند. از جمله: طلسم؛ گرافیک سنتی ایران (۱۳۸۵)، ابطال سحر و جادو در کلام معصومین (۱۳۸۶)، سحر و جادو، هیپنوتیزم، شعبده‌بازی از نگاه شارع مقدس (۱۳۹۰)، سحر و جادوگری در اسلام (۱۳۹۲) و تاریخ طلسم و تعویذ در ایران (با بررسی منتخبی از آثار موزه‌ای) (۱۳۹۷). تمرکز اصلی در این دست آثار بر پایه رابطه دین و علوم غریبه است.

از این رو با وجود انتشار آثاری درباره شرایط اجتماعی دوره قاجار و از طرفی دیگر، آثاری در باب علوم غریبه، توجه پژوهشگران به علل و زمینه‌های گسترش باورهای خرافی و علوم غریبه در این دوران و آثار و پیامدهای باورهای خرافی در تاریخ اجتماعی، فرهنگی و سیاسی ایران بسیار اندک و نابسند است؛ از جمله آثار انگشت‌شماری که در این زمینه و با رویکرد و روش تاریخی به نگارش درآمده‌اند می‌توان به مقاله «سحر و جادو، طلسم و تعویذ و دنیای زنان در عصر قاجار» (رحمانیان و حاتمی، ۱۳۹۱) و مقاله «تأثیر خرافات و عقاید انحرافی بر گسترش بیماری‌ها در عصر قاجار» (فیاضی، ۱۳۹۰) اشاره کرد. همچنین پژوهش‌هایی در خصوص جایگاه زن در بستر فرهنگی قاجار با تکیه بر تصاویر انجام شده که از جمله آن‌ها می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره کرد: مقاله «مطالعه تطبیقی دو نقاشی از زنان در دوره قاجار با رویکرد بینامتنیت» (پنجه‌باشی، ۱۳۹۵) و مقاله «تطبیق مصادیق اجتماعی زنان در دوره قاجار با جایگاه زن در نگارگری نسخه خطی هزارویک شب» (شایسته‌فر و شهبازی، ۱۳۹۴).

اما به‌طور کلی در هیچ یک از پژوهش‌های پیشین به‌طور اختصاصی به علل رواج طلسمات و نقش بانوان در این تحولات پرداخته نشده است. پژوهش پیش رو به‌منظور شناسایی این عوامل و واکاوی ریشه‌ها و زمینه‌های آن، ضمن بررسی انواع طلسمات، کارکردهای آن‌ها و کنشگران آن‌ها، به علت‌یابی چرایی اقبال عمومی به چنین اموری می‌پردازد. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر منابع مکتوب، مصور و ابزارهای برجای مانده از دوره قاجاریه صورت پذیرفته است. سفرنامه‌های برجای مانده از دوره قاجار که از دریچه چشم غیربومی به زندگی مردم ایران توجه کرده‌اند، یکی از مهم‌ترین منابع مورد استفاده در این مقاله‌اند. این آثار در کنار رساله‌های خطی و طلسمات باقیمانده نه تنها گستره و کارکردهای طلسمات در اندیشه و عمل ایرانیان روزگار قاجار را نشان می‌دهند؛ بلکه با کمک آن‌ها می‌توان به نقد و بررسی شماری از کلیشه‌های رایج پرداخت که از دوره قاجاریه تاکنون درباره این علوم برجای مانده است.

## ۱. زندگی اجتماعی زنان روزگار قاجار

برای مطالعه دقیق شرایط اجتماعی زنان در روزگار قاجار باید آن‌ها را در قالب دو گروه زنان عوام و زنان درباری مورد بررسی قرار داد، زیرا هرچند که شرایط کلی جامعه از حیث ابعاد سیاسی و فرهنگی برای هر دو دسته یکسان بود، اما در جزئیاتی اعم از اختیارات، امکانات و جایگاه آن‌ها در اجتماع تفاوت‌های چشمگیری وجود داشت. در دوران قاجار، زنان دربار تاحدی از آزادی‌های فردی و اجتماعی نسبت به دوران قبل برخوردار شدند. یکی از علل آن رفت‌وآمد

اروپاییان و مسافرت ایرانیان به خارج از کشور بود که موجب شد آزادی زن به فکر مردم ایران راه یابد. در این دوران، زنان قدرتمندی هم در دربار بودند که در کار سیاست مداخله می‌کردند؛ مانند مریم‌خانم همسر فتحعلیشاه که از علم و دانش بهره‌های فراوان داشت و ضمن دخالت در امور سیاست و راهنمایی شاهد در دوره قاجار از زنان تأثیرگذار بود. او سی‌ونهمین همسر فتحعلیشاه قاجار و مادر ضیاءالسلطنه و محمودمیرزا صاحب تذکره محمود، سفینه محمود و گلشن محمود است (فرخزاد، ۱۳۸۱: ۶-۷۴۵). مهدعلیا مادر ناصرالدین‌شاه قاجار نیز از زنانی است که در سیاست داخلی و خارجی ایران تأثیرگذار بود. از دیگر زنانی که در حیات اجتماعی و فرهنگی دوران قاجار نقش داشتند می‌توان این افراد را نام برد:

- بی‌بی خانم استرآبادی که پدرش باقرخان استرآبادی و مادرش دختر آخوند ملامحمدکاظم مجتهد مازندرانی بود و کتاب معایب الرجال را به منزله ردیه‌ای بر کتاب تأدیب النسوان به ناصرالدین‌شاه تقدیم کرد.

- مریم‌خانم خاتون‌آبادی، دختر حاج میرزامهدی جویبارهای و همسر مرتضی احمدآبادی که هر دو از روحانیان اصفهان بودند. او از نوجوانی با شعر آشنا شد و با تخلص بانو از دوازده سالگی شعر می‌سرود و سروده‌هایش جنبه اعتقادی داشت.

- تاج‌السلطنه، از زنان ناصرالدین‌شاه. او جزو هنرمندان و نویسندگان دوره قاجار بود که در سال ۱۳۰۳ ق. خاطرات خود را نوشت و درباره حقوق زنان و اطفال نیز فعالیت داشت.

- ربابه خانم، دختر ملامحمدصالح برغانی و آمنه خانم قزوینی. خاندان او از روحانیون صاحب‌نام بودند. خود او در سخنرانی‌ها و مجالس از ناصرالدین‌شاه و درباریان انتقاد می‌کرد (اجتهادی، ۱۳۸۲: ۷-۵۵۶).

یکی از فعالیت‌های اجتماعی زنان مشارکت آنان در امور خیریه بود که بیشتر شامل حال زنان درباری و متمول می‌شد. برای نمونه، زبیده‌خانم دختر فتحعلیشاه که شصت سال در همدان اقامت داشت از ثروت شخصی خود در امور عام‌المنفعه دریغ نورزید. همچنین نگارخانم دختر عباس‌میرزا نایب‌السلطنه در سال ۱۲۹۴ ق تعمیر و مرمت مقبره شیخ ابوعلی سینا را متقبل شد و در رباعی سنگ قبر چنین آورد: «تعمیر خانقاه خراباتیان عشق - منت خدای را که به سعی نگار شد».

یکی دیگر از نوادگان فتحعلیشاه، هماخانم، بن به نذر خود پس از سفر کربلا در راه بازگشت به تهران به ساختن مسجد و مدرسه پرداخت. برجسته‌ترین بُعد حضور اجتماعی زنان در دوره قاجار شرکت در مراسم عزاداری ماه محرم، روضه‌خوانی و نمایش‌های تعزیه بود. برخی از زنان عهد قاجار حتی به حکمرانی نیز رسیدند. حُسن جهان، ملقب به والیه و از دختران فتحعلیشاه، سال‌ها در کردستان با استقلال کامل حکمرانی کرد. فخرالملوک، دختر ناصرالدین‌شاه نیز مدتی در قم به امور شهر و اختلافات رسیدگی می‌کرد (دلریش، ۱۳۷۵: ۸۵-۴۵).

در دوره قاجار، زنان به تدریج از آزادی‌های فردی و اجتماعی برخوردار شدند، چنانکه حاجی پیرزاده در سفرنامه‌اش نوشته است: «مدتی نخواهد گذشت که زیر درختان نارون، زنان با مردان می‌نشینند و چای می‌نوشند و دیگر حجاب

و پرده‌ای در کار نخواهد بود» (فرمانفرمایان، ۱۳۴۲: ۷۵). با وجود این، زنان راه درازی در پیش داشتند تا بتوانند موجودیت خود را در مقام انسان به جامعه ثابت کنند (آزاد، ۱۳۸۲: ۳۲۱).

غیر از زنان دربار، دیگر زنان در طبقات مختلف جامعه موقعیت مناسبی نداشتند، سرنوشتشان در دست کسانی غیر از خودشان قرار داشت و همواره در معرض تهدید خطرات گوناگون بود که زندگی وی را دچار تغییرات اساسی می‌کرد. برای مثال، مطرود و بی‌پناه ماندن در اثر بی‌مهری شوهران به دلیل ازدواج مجدد یا طلاق و نداشتن آگاهی از حقوق اجتماعی خود، که از تبعات ازدواج زودرس بود. محصور ماندن در پستوها و حرم‌سراها و آمار تقریباً صد در صدی بی‌سوادی در میان زنان قاجار ارتباط آنان را با دنیای بیرون و هرآنچه مظاهر تمدن و پیشرفت بود قطع می‌کرد.

لیدی شیل در وصف حال زنان قاجار می‌گوید: «زنان ایرانی تحمل فراوانی در تحمل هرگونه تحقیر و سرزنش دارند» (شیل، ۱۳۶۲: ۳۶) در جای دیگر می‌گوید: «بزرگ‌ترین آرزو هر زن جوان پس از ازدواج این است که چند پسر بزاید تا از این راه وضع آینده خود را در منزل شوهر تثبیت کند. زیرا زاییدن دختر برای آنان هیچ‌گونه ارزشی به بار نمی‌آورد و اصولاً در ایران هیچ‌کس برای دختران قدر و قیمتی قائل نیست» (همان، ۹۲).

زن در این دوره آموزشی نمی‌دید. راهی که او برای حل مشکلات خود می‌جست و تنها مأمونی که می‌توانست آزادانه مسائالش را مطرح کند و به حل آنان نیز امیدوار باشد، پناه بردن به سحر و جادو و رمالان بود. «درواقع زنان از این طریق خود را از اضطراب‌هایی که جنبه روانی داشت می‌رهانیدند» (دلریش، ۱۳۵۷: ۱۰۵).

## ۲. طلسمات در دنیای زنان عصر قاجار

جامعه ایرانی دوره قاجاریه میراث‌دار باورها، افکار، آراء و عقایدی بود که از درازنای تاریخ و بعضاً از ایران باستان میراث برده بود و در گذر زمان و با تغییر دین و مذهب، روبه و ظاهر متفاوتی یافته و در فرهنگ مردم ایران باقی مانده بود. ایرانیان زردشتی پیش از ورود اسلام، سحر و جادو را آفریده اهریمن می‌دانستند که از راه نگاه تأثیر می‌کرد و حتی می‌توانست به مرگ یک انسان بینجامد (اوستا، ۱۳۸۱: ۷۳۰) و برای مقابله با جادوی اهریمن به زردشت سفارش شده بود که با ذکر نام‌های خداوند از خود و مؤمنان زردشتی حفاظت کند (همان، ۳-۲۷۲). پس از اسلام آوردن ایرانیان، آموزه‌های دینی آنان درباره سحر، یکسره از سوی دین جدید رد و انکار نشد. قرآن با اختلاف نظرهایی، بر وجود سحر و اثربخشی آن در زندگی مردمان صحه گذارد (دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، ۱۳۷۱: ۲).

در ایران روزگار قاجار گرایش به خرافات و بهره‌گیری از طلسمات و تعویذها گسترده و عمومی بود. با این حال، بیشتر و یا اساساً عملی زنانه تعریف می‌شد. این نگرش، ریشه‌ها و پایه‌ها و در ادامه آثار و پیامدهایی داشت که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود. می‌توان ادعا کرد اساس مرتبط کردن زنان با پدیده خرافات چیرگی فکر و فرهنگی مردسالار بود که زن را ذاتاً ناقص و ضعیف تلقی می‌کرد. پیامد این تفکر نیز «زن هراسی» بود که به محرومیت زنان از بدیهی‌ترین حقوق اجتماعی و مدنی‌شان، همچون محرومیت از حق رأی در قانون انتخابات مجلس مشروطه، انجامید. از اواسط دوران قاجار پاره‌ای از نواندیشان و نوگرایان ایرانی به ارتباط معنادار میان عقب‌ماندگی عمومی جامعه و عقب‌ماندگی

زن ایرانی پی بردند و تلاش کردند با نشان دادن ریشه‌های اجتماعی و تاریخی مشکلات جامعه، از جمله مسائل و مشکلات زنان، رویکرد و نگاه ذات‌باورانه سنتی را به چالش بکشند و راه را بر اندیشه اصلاح و ترقی بکشایند.

در عصر قاجار، گرایش به خرافات و بهره‌گیری از طلسم و جادو، غالباً عملی زنانه محسوب می‌شد و این موضوع را می‌توان در گزارش و شواهد گوناگون، به‌ویژه گزارش‌های سفرنامه‌نویسان بیگانه، مطالعه کرد. اگرچه در دوره قاجار توجه به خرافات یک امر عمومی بود ولی آنها این عمل را از ضعف و نقص عقلی در زنان می‌دانستند. پولاک ضمن اشاره به این باور می‌گوید: «مردم بهره‌گیری از دعاها و طلسمات را عادی تلقی می‌کنند حال آنکه فهمیده‌ها و تحصیل کرده‌ها آن را کار و رفتاری زنانه می‌دانند» (پولاک، ۱۳۶۸: ۱۵۵).

لایارد، رایس، مری شیل، پاتینجرو بسیاری دیگر از سفرنامه‌نویسان اروپایی نیز گرایش شدید زنان مناطق ایران به جادو طلسمات و انواع داروها و تعویذها برای جلب مهر و محبت شوهر، رفع نازایی یا آوردن فرزند پسر گزارش می‌دهند. مری شیل و کلارا رایس گرایش زنان ایران به بهره‌گیری از انواع و اقسام طلسم‌ها و تعویذها را ناشی از ناامنی و بی‌ثباتی وضعیت و جایگاه آنان در نظام خانواده می‌دانند (شیل، ۱۳۶۲: ۹۲؛ رایس، ۱۳۶۳: ۴۲).

صادق هدایت نیز در این خصوص می‌گوید: «وضع و افکار و زندگی به‌طور عموم و به‌خصوص وضعیت زن بعد از اسلام تغییر کرد، چون اسیر و خانه‌نشین شد. تعدد زوجات، تزریق افکار قضا و قدر، سوگواری، غم و غصه، فکر مردم را متوجه جادو و طلسم و دعا و جن نمود و از کار و جدیت آنها کاست و یک رشته خرافات جدید از این راه تولید شد» (هدایت، ۱۳۱۲: ۱۵). میرزا فتحعلی آخوندزاده علت گرایش زنان به خرافات و جادو را ناشی از جهل و بی‌سوادی عارضی و نه ذاتی می‌داند و همچنین این را ناشی از خشونت رفتاری مردان می‌داند که زن را به ناچار به پناه‌بردن به خرافات و طلسمات وامی‌دارد. او از زیان‌ها و آسیب‌هایی که عموم جامعه از وضعیت وخیم زنان می‌بیند سخن می‌گفت و خواهان اصلاح جامعه از وضعیت وخیم زنان بود (عاملی رضایی، ۱۳۸۹: ۷۸). به‌طور کلی می‌توان گفت در ادوار گوناگون تاریخ، ناتوانی آدمی در غلبه به مشکلات و دستیابی به مقاصد گوناگون بود که او را به سمت بهره‌گیری از طلسمات و علوم ماوراءالطبیعه سوق داد. اما طلسم در دوره قاجاریه دستخوش تحولاتی می‌شود که آن را از نمونه‌های پیشینی در تمام دوران اسلامی متمایز می‌سازد.

### ۳. طلسمات قاجاری، انواع و کارکردها

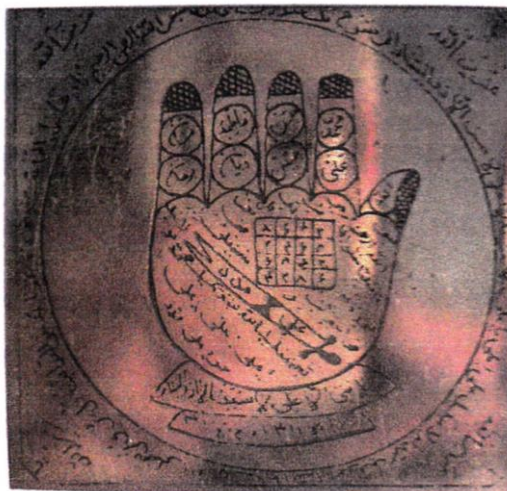
با مطالعه تاریخچه اشیاء اعتقادی درمی‌یابیم که این مصنوعات دارای اقسام گوناگون و متعددی بوده‌اند و برای تحقق مقاصد متنوعی مورد استفاده قرار می‌گرفتند. تعاویض و طلسمات نیز انواع گوناگون، طبیعی و مصنوعی داشته و با وجود برخی تفاوت‌های ناشی از تنوع محلی مواد و هنرهای بومی به‌کار رفته در ساخت آنها، طلسمات را براساس شباهت‌های کلی و عام در نوع و کاربرد، به چند طبقه تقسیم کرده‌اند:

**نخست:** طبقه‌بندی عمومی براساس طبیعی یا مصنوعی بودن طلسمات شامل برخی از احجار کریمه و سنگ‌ها؛ اجزائی از رستنی‌ها و گیاهان، اندام‌هایی از انسان و حیوان، ابزار و اشیا و لوح‌های فلزی، زیورها و گوهرها، تندیس و پیکره ساخته شده از موم و خمیر، رقیه و افسون به‌صورت حرز و تعویذ نوشته شده بر پوست و کاغذ و پارچه و یا کنده شده روی فلز، دستواره‌ها و چشمواره‌های فلزی و سفالی و شیشه‌ای، چیزهای ناپاک و آلوده و فضولات برخی حیوانات.

**دوم:** طبقه‌بندی برحسب مقاصدی که طلسمات را به‌کار می‌برند. مانند: طلسمات مخصوص پیشگیری و درمان بیماری‌ها، حفظ و امنیت کلی و عمومی از خطرها، آسیب‌ها، به‌دست آوردن قدرت جسمانی، تحصیل خوشبختی و ثروت و جزء آن (بلوکباشی، ۱۳۶۷: ۱۹۱).

چنانچه نخستین طبقه‌بندی را اساس کار خود قرار دهیم، خواهیم دید که بر مبنای شواهد موجود، استفاده از انواع سنگ‌ها و مهره‌ها، زیورات با خاصیت جادویی و سحرزدایی، استفاده از دستواره‌هایی معروف به پنج تن آل عبا (بل، ۱۳۶۳: ۹۸)، (تصویر شماره ۱) حرز و تعویذ نوشته شده بر کاغذ و پارچه، یا تندیس‌ها و حتی قفل‌هایی با ویژگی جادویی و... به فراوانی در منابع دوره قاجاریه گزارش شده است. این طلسمات دارای بخش‌های مختلفی مانند علائم ستاره‌شناسی، اسامی الهی، اسامی فرشتگان، اعداد و حروف لایقرائی، مربعات و نشانه‌های رمل و اسطرلاب و یا تصاویر جانوران و انسان‌ها هستند که شکل و محتوای آن با توجه به هدف و مقصود طلسم تغییر می‌کند. از آنجا که بخش مهمی از این طلسمات، از آیات قرآنی یا دعاهای سفارش شده در روایات اسلامی است، اصطلاح طلسم و دعا در دوره قاجاریه در کنار هم و گاه به اشتباه به‌جای هم به‌کار می‌رود.

با در نظر گرفتن طبقه‌بندی دوم از طلسمات که بر مبنای مقاصد و اهداف آنان است، کارکردهای کلی طلسمات را می‌توان مرتبط با کارکردهای سیاسی، کارکردهای پزشکی و استفاده برای کسب خوشبختی، ثروت و جزء آن دانست. البته تلاش برای دستیابی به خوشبختی تنها مختص زنان نیست؛ اما گزارش‌های بسیاری در منابع دوره قاجاریه موجود است که از طریق آن‌ها می‌توان به تلاش پیگیر و مستمر زنان برای حفظ زندگی خانوادگی پی‌برد. در این دوره بیشتر زنان بدون استقلال مالی و در سنین پایین وارد زندگی جدید خانوادگی می‌شدند. در جامعه‌ای که رسم تعدد زوجات پذیرفته شده بود. در عین حال، طلاق پدیده‌ای مذموم به‌شمار می‌آمد، تنها گزینه پیش روی آنان حفظ موقعیت خود در خانواده بود. با این شرایط طبیعی است که بسیاری از منابع این دوره از تلاش پیگیر زنان برای حفظ زندگی خود سخن بگویند. به گفته مسافران اروپایی، بیشتر درخواست زنان آن بود که با گرفتن طلسم، علاقه و محبت همسرانشان را به‌سوی خود جلب کنند (افضل‌الملک، ۱۳۶۲: ۳۲۲). (تصویر شماره ۲)



تصویر ۱. نمونه طلسم برنجی قاجاری با کارکرد گرفتن حاجات (منبع: مجموعه شخصی)



تصویر ۲. نمونه طلسم برنجی قاجاری با کارکرد محبت. (منبع: مجموعه شخصی)

در روزگار قاجار برای طلسمات و تعویذها کاربردهای گوناگونی تصور می‌شد و تقریباً تمامی مسائل زندگی انسان ایرانی را دربر می‌گرفت. از جمله: پیدا کردن گم شده یا دزدیده شده، باز آوردن گریخته یا غایب و سفر کرده (طلسم شاهی، ۲۰۹؛ رساله در علوم غریبه، ۵۲-۵۳؛ جنگ علوم غریبه و طلسمات، ۱۷)، افزایش رزق و روزی و توفیق در کسب و کار (طلسم شاهی، ۱۱۷-۱۱۹، ۲۱۸)، یافتن شغل و حرفه با پیشرفت و ارتقای در آن (جنگ علوم غریبه و طلسمات، ۱۰)، حفظ اموال و املاک از آسیب دزدان و دشمنان (طلسم شاهی، ۱۰۸-۱۰۷، ۱۱۷، ۲۰۸؛ جنگ علوم غریبه و طلسمات: ۹)، حاصل خیز کردن کشت زار و بار آور کردن درختان و باغ و بوستان (طلسم شاهی، ۱۱۸، ۲۰۵، ۲۱۸)، فراوان کردن آب چاه و کاریز (همان، ۲۰۶)، جلوگیری از چشم زخم (ویشارد، ۱۳۹۳، ۲۵۳؛ لایارد، ۱۳۹۷، ۱۷۷ - ۱۸۱؛ جکسن، ۱۳۵۷، ۶۳۲؛ رنه دالمانی، ۱۳۳۵، ۳۰۹-۳۰۵؛ کولیور رایس، ۱۳۱۹، ۹۳ - ۹۶؛ ویلز، ۱۳۶۷، ۳۳۰؛ طلسم



شاهی، ۲۱۹)، پیشگیری و درمان بیماری‌ها (فلور، ۱۳۸۹، ۱۲۸-۱۰۳) و از همه مهم‌تر جلب مهر و محبت دیگران به‌ویژه همسر یا معشوق و معشوقه (شیل، ۱۳۹۲، ۹۲-۹۱؛ پولاک، ۱۳۷۸، ۲۳۷-۲۳۸؛ کولیور رایس، ۱۳۹۳، ۹۳-۶۲، ۸۸؛ طلسم شاهی، ۲۰۹؛ مجموعه ادعیه و طلسمات، ۱۹۰، ۱۹۸؛ رساله در علوم غریبه ۱۳، ۱۹، ۳۹؛ جنگ علوم غریبه و طلسمات، ۸). شواهد گوناگون حاکی است که کاربرد گسترده طلسمات در امور درمانی و پزشکی تقریباً عرصه را بر کار پزشکی تنگ کرده و به‌گونه‌ای جای آن را گرفته بود. برای پاره‌ای از بیماری‌ها، به‌ویژه بیماری‌های مسری، دعاها و تعویذها و طلسمات ویژه وجود داشت (مان البلیه، ۱۳-۹، ۲۸). دعانویسان این دوره نه فقط برای انواع و اقسام بیماری‌های انسانی، از جمله امراض شکمی (طلسم شاهی، ۲۰۹) و و فلج دست و پا (همان، ۱۰۲) و هاری (رساله در علوم غریبه: ۱۸)، بلکه برای بیماری‌های دام‌ها و چهارپایان (همان، ۲۰۰-۲۰۱) و دفع آفات کشاورزی (همان، ۱۱۸) نیز انواع و اقسام طلسم و تعویذ را تهیه و توصیه می‌کردند.

#### ۴. کنشگران عرصه طلسمات

رمالی و دعانویسی از مشاغل پررونق روزگار قاجار بود و رمالان دوره‌گرد تقریباً در همه‌جا دیده می‌شدند. از خلال داده‌های منابع دوره قاجاریه می‌توان به چند گروه عمده اشاره کرد که مدعی آشنایی با علم طلسمات بودند. کولی‌ها، یهودیان و دراویش از آن جمله‌اند. در این میان، دعانویسان یهودی معروف‌تر از سایرین بودند و بیشتر از هم‌کسوتان خود مورد رجوع و اقبال قرار می‌گرفتند. (تصویر شماره ۳)

#### یهودی دعا نویس



تصویر ۳. تصویرگری یهودی دعانویس. منبع: (روزنامه شکوفه، ۲۴ جمادی‌الثانی ۱۳۳۱:۱)

یهودیان که عمدتاً در تجارت موفق بودند و در طبابت دستی داشتند، گرچه نجس قلمداد می‌شدند و حتی گاهی اوقات در زمان نزول باران حق خروج از خانه‌هایشان را نداشتند؛ اما عمدتاً در کسوت طالع‌بین و فالگیر به‌خصوص مورد رجوع

زنان قرار می‌گرفتند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۸۵: ۴۳۳). استفاده از مهارت یهودیان در این زمینه از راه‌های گوناگون امکان‌پذیر بود. برخی زنان عمدتاً از طبقه فرودست برای دریافت دعا و طلسم خود به خانه‌های ملاح‌های یهودی می‌رفتند (سپهر، ۱۳۶۸: ۲۸۸-۲۸۷). اما در ارتباط با طبقه اعیان و اشراف این امکان وجود داشت که یا یهودیان طالع‌بین و فالگیر به حرمسرای شاه و خانه صدراعظم یا بزرگان دیگر بروند و یا در لباس و پوشش تاجر به خانه ثروتمندان وارد شوند. زیرا این طبقه از زنان معمولاً برای خرید از خانه خارج نمی‌شدند و هر آنچه می‌خواستند برایشان در خانه مهیا می‌شد (ویشارد، ۱۳۶۳: ۸۶). موفقیت یهودیان در جادوگری و سحر و اقبال مسلمانان به آنان در حالی صورت می‌پذیرفت که تورات بیش از هر متن مقدس دیگری، معتقدانش را از توسل به این امور بازداشته بود. تورات در آیات متعددی یهودیان را از سحر و جادو، فالگیری، تسخیر ارواح و ... نهی کرده و مجازات مرگ را برای آن تعیین کرده بود.

اگرچه یهودیان این دوره بی‌توجه به دستوره‌های دینی شان به جادوگری می‌پرداختند از آن راه کسب و کار پر رونقی داشتند. گروه دیگری از فعالان این حوزه بودند که از راه فالگیری، طالع‌بینی و جادوگری روزگار می‌گذراندند که هیچ نهی دینی برای احتراز از این امور پیش روی خود نمی‌دیدند کولی‌ها که با نام‌های دیگری نظیر چون قره‌چی، لولی، قرشمال، غربال‌بند و غربتی (اوبن، ۱۳۶۲: ۳۵۸) شهرت داشتند، گرچه تظاهر به مسلمانی می‌کردند؛ اما عملاً پایبند هیچ اصل اسلامی و حتی اخلاقی نبودند. کولی‌هایی که به جادو و طالع‌بینی و کف‌بینی می‌پرداختند عموماً زن بودند، آن‌ها هیچ‌گاه محل ثابتی برای زندگی نداشتند و در شهرها و روستاها با طالع‌بینی روزگار می‌گذراندند. این در حالی است که آن‌ها به گفته شهری‌باف: «هیچ مایه علمی و بهره‌دانشی از علوم غریبه و حتی همان سرکتاب بازکنی ساده که مستلزم دانستن حروف ابجد و اعداد آن بود، نداشته و تنها کلمات کلاسیکی به مناسبت وضع و رفتار و سن و سال و زشت و زیبایی افراد به زبان داشته، خوف و رجاهایی به زبان می‌آوردند (شهری، ۱۳۷۸: ۲۵۸).

### کولی‌های طالع‌بین



تصویر ۴. تصویرگری کولی‌های طالع‌بین و مراجعین. منبع: (روزنامه شکوفه، ۲۴ جمادی الثانی ۱۳۳۱، ۱).

درباره رمالی و دعانویسی، علاوه بر انبوه گزارش‌های مندرج در متون داخلی و خارجی، به‌ویژه سفرنامه‌های بیگانه، رسالات گوناگونی درباره طلسمات و طوابع و تعویذها و علوم غریبه، و انواع طلسمات و تعویذهایی به شکل بازوبند و گردنبند و پیشانی‌بند و ... نیز برجای مانده است. مستندات تاریخی در این حوزه حکایت از آن دارد که در باور به علوم غریبه و استفاده از آن‌ها طبقه‌بندی‌ای میان اعیان و اشراف و عوام جامعه ایرانی عصر قاجار وجود نداشته است. مطالعه مجموعه اسناد و مدارک و شواهد یاد شده گویای اهمیت فراوان این آثار در رابطه با شناخت تاریخ اجتماعی و فرهنگی ایران عصر قاجار و به‌ویژه چگونگی زندگی روزمره توده مردم است.

### نتیجه‌گیری

طلسمات و تأثیرگذاری آن‌ها در عرصه‌های گوناگون زندگی برای دستیابی به مقاصد متنوع و متعدد عاطفی، شغلی، درمانی و ... به‌مثابه میراثی از دوره‌های پیشین تاریخ ایران به دوره قاجار رسید، دستخوش تحولات چشمگیری شد و به اوج خود رسید. در این دوران برخلاف کلیشه رایج، تمامی مردم از فرودستان گرفته تا نخبگان حاکم، به این امور باور داشته و از آن‌ها استفاده می‌کردند. در جامعه‌ای که کم‌سوادی و بی‌سوادی فراگیر بوده، خود، کانون نشو و نمای باورهای عامیانه‌ای بود که کمتر مبنایی در استنتاج منطقی داشت. باورهای خرافی زنان عصر قاجار برآمده از جایگاه اجتماعی آن‌ها بود و از مناسبات نابرابر جنسیتی در جامعه نشأت می‌گرفت. این شرایط زنان را وامی‌داشت تا برای حفظ و گاه ارتقا این جایگاه حداقلی تلاش کنند. در بحبوحه ناآگاهی‌های عمومی و جهل و بی‌سوادی در میان زنان، این عوامل موجب می‌شد تا آن‌ها در کنار تمسک به توصیه‌های خرافی، از خدمات کارگزاران مربوطه در قالب انواع طلسم‌ها و نیز اعمال مربوط به باورهای خرافی بهره‌گیرند. این باورها همان قدر از سوی زنان دنبال می‌شد که از سوی مردان جدی تلقی می‌شد. اشاره به اقبال بیشتر زنان به طلسمات در مقایسه با مردان، بر رواج این باورها در بین هر دو جنس دلالت دارد. مطالعات در این حوزه نشان می‌دهد زنان و مردان در امتداد جایگاه نقش خود در اجتماع، با اهداف متفاوتی گرایش‌های خود را برای رسیدن به مقاصدشان دنبال می‌کردند. ضعف و استیصال در عرصه سیاسی، پزشکی و اجتماعی و در یک کلام بحران خرد و عقلانیت از جمله مهم‌ترین عللی هستند که مردمان روزگار قاجار را وامی‌داشت به طلسمات گوناگون متوسل شوند.

## منابع و مآخذ

### کتابها

- اجتهادی، مصطفی. (۱۳۸۲). *دائرة المعارف زن ایرانی*. تهران: مرکز امور مشارکت زنان.
- احتشام السلطنه، محمودمیرزا. (۱۳۶۶). *خاطرات احتشام السلطان*. به کوشش سید محمد مهدی موسوی. تهران: اطلاعات.
- ارفع الدوله، میرزا رضاخان. (۱۳۷۸). *خاطرات پرنس ارفع*. به کوشش علی دهباشی. تهران: شهاب ثاقب با همکاری سخن.
- آدمیت، فریدون و هما ناطق. (۱۳۵۶). *افکار اجتماعی و سیاسی اقتصادی در آثار منتشر نشده دوران قاجار*. تهران: آگاه.
- اعتضاد السلطنه، علیقلی میرزا. (۱۳۷۰). *اکسیرالتواریخ*. به اهتمام جمشید کیانفر. تهران: ویسمن.
- اعتماد السلطنه، محمدحسن خان. (۱۳۸۵). *روزنامه خاطرات اعتماد السلطنه*. با مقدمه و فهرس ایرج افشار. تهران: امیرکبیر.
- امان الله بن فتحعلی شاه قاجار. *امان البلیه*. ش ۶۶۵ / ف کتابخانه ملی.
- امین الدوله، میرزا علیخان. (۱۳۴۴). *خاطرات سیاسی میرزا علیخان امین الدوله*. به کوشش حافظ فرمانفرمائیان. تهران: شرکت سهامی کتاب های ایران.
- اوستا. (۱۳۸۱). *کهن ترین سرودهای ایرانیان*. گزارش و پژوهش جلیل دوست خواه. تهران: مروارید.
- اوبن، اوژن. (۱۳۶۲). *ایران امروز (۱۹۰۷-۱۹۰۶ م)*. ترجمه و توضیحات علی اصغر سعیدی. تهران: زوار.
- بارنز، الکس. (۱۳۶۶). *سفرنامه بارنز*. (ترجمه حسن سلطانی فر). تهران: آستان قدس رضوی.
- بروگش، هینریش. (۱۳۶۷). *سفری به دربار سلطان صاحبقران*. (ترجمه مهندس کردبچه). تهران: اطلاعات
- بصیرالملک شیبانی، میرزا محمدطاهر. (۱۳۷۴). *روزنامه خاطرات بصیرالملک شیبانی*. به کوشش ایرج افشار و محمدرسول دریاگشت. تهران: دنیای کتاب.
- بل، گرتروود. (۱۳۶۳). *تصویرهایی از ایران*. (ترجمه بزرگمهر ریاحی). تهران: خوارزمی.
- بلوکباشی، علی. (۱۳۶۷). *"باطل سحر" دائرة المعارف بزرگ اسلامی ج ۱۱*. تهران: مرکز.
- پاتینجر، هنری. (۱۳۴۸). *مسافرت به سند و بلوچستان*. (ترجمه شاهپور گودرزی). تهران: دهخدا.
- پورصالح امیری، مریم. (۱۳۹۷). *تاریخ طلسم و تعویذ در ایران (با بررسی منتخبی از آثار موزه ای)*. تهران: دلیل ما.

- پولاک، یاکوب ادوارد. (۱۳۶۸). سفرنامه پولاک. (ترجمه کیکاووس جهاننداری). تهران: خوارزمی.
- تناولی، پرویز. (۱۳۸۶). طلسم، گرافیک سنتی ایران. تهران: بن‌گاه.
- جکسن، آبراهام و. ویلیامز. (۱۳۵۷). سفرنامه جکسن، ایران در گذشته و حال. (ترجمه منوچهر امیری و فریدون بدره‌ای). تهران: خوارزمی.
- دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی. (۱۳۷۱). به کوشش بهاء الدین خرمشاهی. تهران: دوستان و ناهید.
- دروویل، گاسپار. (۱۳۴۸). سفرنامه دروویل. (ترجمه جواد محبی). تهران: کتابخانه گوتنبرگ
- دلریش، بشری. (۱۳۷۵). زن در دوره قاجار. تهران: سوره مهر.
- شهری، جعفر. (۱۳۷۸). تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم. قم: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- ژوبر، آمده. (۱۳۴۷). مسافرت به ایران و ارمنستان. (ترجمه محمود مصاحب). تهران: کتاب فروشی چهر.
- سپهر، عبدالحسین خان. (۱۳۶۸). مرآت الوقایع مظفری و یادداشت‌های ملک‌المورخین. به کوشش نوایی. تهران: زرین.
- سحرالعیون. ش ۸۸۰ / ف کتابخانه ملی.
- صالح‌نیا، محمدعلی. (۱۳۹۰). سحر و جادو، هیپنوتیزم، شعبده بازی از دیدگاه شارع مقدس. کرمان: محمدعلی صالح نیا.
- طالبی (مازندرانی)، صادق. (۱۳۸۶). ابطال سحر و جادو در کلام معصومین. قم: سبط النبوی.
- ظهیرالدوله، علیخان. (۱۳۶۲). تاریخ بی دروغ با مقدمه نورالدین چهاردهی. تهران: شرق.
- عاملی رضایی، مریم. (۱۳۸۹). سفر دانه به گل، سیر تحول جایگاه زن در نثر دوره قاجار. تهران: تاریخ ایران.
- علوی موسوی، مصطفی بن اسماعیل. طلسم شاهی. ش ۸۲۰ / ف کتابخانه ملی.
- غلامعلی بن طهماسب میرزا قاجار. جنگ علوم غریبه و طلسمات. ش ۵-۶۱۷۰۵ کتابخانه ملی.
- فرخزاد، پوران. (۱۳۸۱). کارنمای زنان کارای ایران (از دیروز تا امروز). تهران: قطره.
- کنت دوسرسی. (۲۵۳۶). ایران در ۱۸۳۹ - ۱۸۴۰. (ترجمه احسان اشراقی). تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- کولیور رایس، کلارا. (۱۳۶۲). زنان ایرانی و راه و رسم زندگی آنان. (ترجمه اسدالله آزاد). تهران: آستان قدس.
- لایارد، سر اوستن هنری. (۱۳۶۷). سفرنامه لایارد در ایران (ترجمه مهرباب امیری). تهران: وحید.
- موسی پور، ابراهیم (گردآوری و ترجمه). (۱۳۸۷). دوازده+یک؛ سیزده پژوهش درباره طلسم، تعویذ و جادو. تهران: کتاب مرجع.

ناشناس. (۱۳۷۱). رساله تأدیب النسوان و معایب الرجال در رویارویی زن و مرد در دوره قاجاریه به کوشش حسن جوادی و همکاران. نیویورک: کانون پژوهش تاریخ زنان ایران و شرکت جهان.  
ویشارد، جان. (۱۳۶۳). بیست سال در ایران. (ترجمه علی پیرنیا). تهران: نوین.  
ویلز. (۱۳۶۷). ایران در یک قرن پیش. (ترجمه غلامحسین قراگوزلو). تهران: اقبال.

#### مقالات

رحمانیان، داریوش و حاتمی، زهرا. (۱۳۹۲). «سحر و جادو، طلسم و تعویذ و دنیای زنان در عصر قاجار». جستارهای تاریخی. ش ۲. صص ۲۷-۴۴.  
شایسته‌فر، مهناز و محبوبه شهبازی. (۱۳۹۴). «تطبیق مصادیق اجتماعی زنان در دوره قاجار با جایگاه زن در نگارگری نسخه خطی هزارویک شب». زن در فرهنگ و هنر، دوره ۷، شماره ۴. صص ۴۷۱-۴۵۵.

#### منابع لاتین

Jackson, A.V. W. (۱۹۰۹). Persia past and present, a book of travel and research, London: MacMillan.  
Malcom, N. (۱۹۰۵). Five Years in a Persian Town, London: John Murray.  
Merritt- Hawkes, O.A. (۱۹۳۵). Persia- romance & reality, London: Nicholson & Watson.  
Shabaz, A d. (۱۹۰۱). Land of the lion and sun (Madison, Wis), pp. ۷۹-۸۰, ۱۳۷.  
Wills, C. J. (۱۸۸۶). Persia As It Is, London.